

سنگ درمانی

با خواص شگفت انگیز و درمانی سنگها آشنا شوید

اثر:

اورزولا کیلینگر راتس

ترجمه:

فاطمه علی پور

فهرست مطالب

۲۳	بخش اول: مرکز تاجی و مرکز پیشانی
۲۵	کریستال های معدنی
۴۳	الماس
۴۶	پیریت
۵۵	بخش دوم: مراکز انرژی قلب و گلو
۵۷	فرشتگان سنگ های تراش خورده
۶۱	نارسنگ
۶۵	یاقوت (روبی)
۷۱	سیترین
۷۸	زبرجد طلایی
۸۴	پریدوت
۸۹	زمرد (سماراگدیت)

کلینگر - راتس، اورزولا. Kilnger - Raatz, Ursula

سنگ‌های شفابخش / اثر اوزولا کلینگر راتس؛ ترجمه فاطمه علی‌پور.

تهران: نیما، ۱۳۸۳.

ISBN: 964-6655-23-8

۲۴۰ ص.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.

Engel und edelsteine die

عنوان به آلمانی:

geheimnisvollen krafte von geschliffenen

steinen und kristallen.

۱. سنگ‌های قیمتی - مصارف درمانی. ۲. گوهرها - فرهنگ عامه. ۳. بلورها -

فرهنگ عامه. ۴. پزشکی سنتی. الف. علی‌پور، فاطمه. مترجم. ب. عنوان.

۶۱۵/۸۸۲

RM۶۶۶/س

الف ۱۳۸۳

۸۲-۱۸۹۵۹ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات نیما
تلفن ۶۲۰۰۵۴۲

نام کتاب : سنگ درمانی

نویسنده : اورزولا راتس

مترجم : فاطمه علی‌پور

ناشر : نیما با همکاری نشر ایمنی

نوبت چاپ : اول ۱۳۸۳

تیراژ : ۵۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی : لادن

چاپ : پیک ایران

ISBN: 964-6655-23-8

شابک : ۹۶۴-۶۶۵۵-۲۳-۸

مرکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، خ فخر رازی، بن بست وزیر نظامی

پلاک ۶۷ تلفن: ۶۹۶۳۷۷۱-۲

به نام خدا

پیشگفتار

تحریر این کتاب از عالم ماوراءالطبیعه به من الهام شد. زمانی که من نگارش کتاب؛ یعنی «اسرار سنگ‌های قیمتی» را به پایان رساندم، نیروی باور نکردنی فرشتگان سنگ‌ها به طرز شگفت‌انگیزی در من اعلام وجود کردند اما از زمان دریافت این دستور تا هنگام تألیف آن حدود یک سالی به طول انجامید.

در طول سال‌های اخیر ناگهان انرژی‌های محسوسی در مورد مضمون کتاب و نیز ارتباط موجود بین رنگ‌ها و اشکال مختلف سنگ‌های قیمتی و انرژی مربوط به آنها به من الهام شد و بعد ناگهان متوجه شدم که این انرژی‌ها جلوه جدیدی از فرشتگان هستند که از طریق سنگ‌ها با من ارتباط برقرار می‌کنند. با وجود این که از سال‌های گذشته به طریق ایجاد ارتباط و طرز رفتار با این فرشتگان آشنا هستم اما زمانی که شروع به نوشتن این کتاب کردم، با تعجب دریافتم که انواع دیگری از فرشتگان نیز از طریق سنگ‌های قیمتی می‌توانند با ما ایجاد ارتباط کنند.

با اشراف به این مسئله می‌بایست تمام ادراکاتی که تا به حال از فرشتگان داشته بودم را رها می‌کردم تا بتوانم الهامات جدید آنها را دریابم. با همه این احوال در حین نوشتن از وجود تنوع و تفاوت‌های بسیاری که در حوزه مسئولیت دنیای فرشتگان قرار داشت، متعجب می‌شدم. از این رو در طول نگارش این کتاب، با بعد جدیدتری از این دنیا ارتباط برقرار

۹۵	تورمالین
۱۱۱	کونزیت
۱۱۸	اگو - مرین
۱۲۴	تورمالین آبی کم رنگ و پررنگ
۱۳۸	یاقوت کبود
۱۴۸	آمتیست

بخش سوم: مراکز انرژی موجود در دست‌ها

۱۶۳	فرشتگان سنگ‌های تراش خورده ساده یا تراش گنبدی شکل
۱۶۵	کوارتز تورمالین دار
۱۶۸	کوارتز سرخ
۱۷۴	کوارتز صورتی
۱۸۰	یشم ^{۱۷}
۱۸۷	کلسدوئین
۱۹۵	سنگ ماه
۲۰۱	مراقبه با فرشته
۲۰۸	

بخش چهارم: سنگ‌های اوپال در مرکز انرژی قلب

۲۱۴	اوپال (عقیق سلیمانی)
۲۱۶	اشکال سنگ‌های قیمتی
۲۳۶	

نموده، اطلاعات و دستورالعمل‌های نوینی در رابطه با قدرت‌های معنوی موجود در سنگ‌ها به دست آوردم.

بدین وسیله فرشتگانی که نگهدارنده رنگ سنگ‌های قیمتی هستند، از طریق درخشنده‌ترین سنگ‌ها با سطوح تراش خورده متعدد و هم‌چنین فرشتگان سنگ‌هایی که تراشی ساده به حالت گنبدی دارند، به خدمت ما در می‌آیند.

سنگ‌های تراش خورده ارتباط ما را با لشکری از فرشتگان برقرار می‌سازند، در صورتی که سنگ‌های ساده با تراش گنبدی شکل ریسمان ارتباطی ما فقط با یک فرشته هستند.

کریستال‌های معدنی درخشان جزء استثنائات می‌باشند. آنها چه پرتراش باشند، چه ساده همیشه موجب برقراری ارتباط ما با یک فرشته می‌شوند و این فرشته‌ای است که با فرشته محافظ ما در ارتباط است.

اما فرشتگان سنگ‌های قیمتی تا فرا رسیدن زمان مناسب؛ یعنی تا هنگام آمادگی و پذیرش خودآگاهی ما می‌بایستی زمانی نسبتاً طولانی را در انتظار بگذرانند تا بتوانند از طریق ما انسان‌ها، امکان تأثیر بر حیات کنونی کره زمین را تجربه کنند.

این فرشتگان از قرن‌ها پیش رشد تدریجی سنگ‌های قیمتی را با صبری عاشقانه و بینشی خدایی همراهی کرده‌اند و در کنار آنها مژه انتظار برای ایجاد تحول و کشف شدن را چشیده‌اند و حال در صدند از طریق خودآگاه ما گذرگاهی به جسم و روح مان بیابند. طبیعتاً با تجلی فرشتگان سنگ‌های قیمتی در زندگی ما، دروازه‌های ورود منابع جدید انرژی از ناخودآگاه به خودآگاه ما گشوده می‌شود.

بدین طریق با منبع جدیدی از خودآگاهی کیهانی آشنا شده و طرز استفاده

از آن را فرامی‌گیریم.

هنگام تحریر کتاب، اشکال و تالاف چشم‌نواز سنگ‌های قیمتی، ارتباط تنگاتنگ دنیای مادی و معنوی را مجدداً برایم محسوس‌تر، و قابل درک‌تر نمود. برایتان آرزو می‌کنم هنگام خواندن این کتاب، سرشار از انرژی شوید و راهی تازه به سوی شناخت قدرت‌های ظریف موجود در سنگ‌های قیمتی؛ یعنی فرشتگان آنها بیابید.

بدین ترتیب امدادگران جدیدی وارد زندگی ما می‌شوند و می‌توانند از طریق ما بر روی کرهٔ خاکی مان تأثیر مثبتی بگذارند.
به کرهٔ زمین خوش آمدید.

ما در محاصرهٔ نیروهای عالم ماوراء هستیم

دنیای سنگ‌ها سرشار از نیروی حیات و زندگانی است. با وجودی که تمام کوه‌ها و تمام سنگ‌ها جامد و مرده به نظر می‌آیند، اما دارای نوسانات انرژی هستند. میان برخی از سنگ‌ها با سنگ‌های دیگری که معمولاً در ساحل دریا و رودخانه، معابر، کوه و صخره دیده می‌شود تفاوت فاحشی وجود دارد. سنگ‌های مورد بحث ما معمولاً دارای رنگ‌های درخشان و نورانی هستند و در بیشتر موارد در اعماق زمین پنهان شده‌اند.

از آن جا که این سنگ‌ها با اشکال کاملاً منحصر به فردی رشد یافته‌اند و دارای رنگ‌های زیبا و عمیقی می‌باشند، به عنوان سنگ‌های قیمتی بسان گل‌های بسیار زیبا در دنیای خاکستری سنگ‌ها شناخته می‌شوند.

این سنگ‌ها حامل نیروهای مهم معنوی هستند و همانند کل عالم کائنات از نیرویی معنوی خلق شده‌اند، اما از آن جا که این قدرت معنوی به صورت فشرده در آنها وجود دارد، به عنوان ذخایر منحصر به فرد انرژی به زمین عرضه شده‌اند.

توجه به نحوه شکل‌گیری این سنگ‌ها، تحت تأثیر نیروی‌های عظیم طبیعت و در فاصله زمانی بسیار طولانی باعث می‌شود که انرژی فراوان ذخیره شده در آنها به صورت نیروهای معنوی به کره زمین عرضه شود.

با توجه به سنجش ما و ارزیابی‌های به عمل آمده سنگ‌های قیمتی زوال ناپذیرند به همین خاطر نسیمی از رؤیای ابدیت و جاودانگی بر ما می‌دمند. آنها، فرهنگ‌ها، نسل‌ها و انسان‌های زیادی را پشت سر گذاشته‌اند و روح زمین را در بطن خود دارند.

نیروی خلقت، با ایجاد رنگ‌های متنوع و اشکال ساختمانی معین در بافت سنگ‌ها قوانین بنیادگرای طبیعی و انرژی‌های تجدیدکننده حیات را به دست آنها بر روی کره زمین ایجاد و برقرار می‌کند و از این طریق نیروهای معنوی خود را به ما ارزانی می‌دهد.

هر یک از این سنگ‌ها گویی از یک میدان انرژی فشرده است که در رنگ، طرح، شکل، اندازه رگه، ساختمان بنیادی و نوع تراش، منحصر به فرد بوده، از خود نوسانات ثابتی جاری می‌سازد.

هنگامی که ما آماده می‌شویم تا دریچه‌های خودآگاهی‌مان را به روی قدرت‌های درونی سنگ‌ها بگشاییم، این نوسانات به طرز بسیار محسوسی ما را نوازش می‌کنند.

ما انسان‌ها برای دریافت امواج رنگی ساطع شده از سنگ‌ها دارای حساسیت فوق العاده زیادی هستیم زیرا جسم ما نیز از ذرات مشابه ظریفی تشکیل شده که دارای نوسانات رنگی معینی است و جالب این‌که رنگ سنگ‌های قیمتی باعث تقویت، پاکی و شارژ شدن این ذرات می‌شود. البته این مسئله تنها مزیت سنگ‌ها نیست.

آنها بسته به نوعشان ما را با دنیای معنوی موجود در خود که می‌توان آن را

دنیای فرشتگان یا عالم ماوراء نامید، مرتبط کرده و نوسانات بدن ما را با نوسانات این دنیا هم نوا می سازند.

در عالم ماوراء، امدادگرانی با کالبدهای کوچک اما پرانرژی وجود دارند که از طریق اشیاء مادی با این دنیا ارتباط برقرار می کنند. این امدادگران فقط از طریق ماده می توانند تأثیر خود را به منصه ظهور برسانند. این ماده می تواند انسان، حیوان، گیاه یا حتی سنگ باشد.

حتی سنگ ها نیز دارای ارتباطاتی با عالم ماوراء هستند و هر سنگ دارای هم زادی روحی - معنوی از نوعی معین است.

انسان دارای روحی چند بعدی است که از ابتدای جریان خلقت و نیز در طی سفر از این کره خاکی، در مراحل و مقاطع مختلف تکامل و نیز در راه رسیدن به رشد و بلوغ معنوی همیشه او را همراهی می کند.

به همان اندازه که خود آگاهی بشری و تاریخچه تکامل روحی و معنوی بشر امروزی بسیار متنوع و پیچیده است، به همان میزان نیز امدادگران گوناگونی از حوزه های متعدد در صدد کمک به این موجود خاکی هستند.

به طور مثال انسان ها کمابیش با ارواح نیاکان، پیشینیان و اقوام خویش در ارتباط هستند. این ارتباط می تواند با روح اشخاصی باشد که قبل از سفر آخرتشان با فرد مورد نظر آشنا بوده یا به نوعی با وی پیوند داشته یا این که نقش به خصوصی در زندگی او بازی کرده اند و او مثل: پدر بزرگ و مادر بزرگ، عمو، خاله، پدر، مادر یا خواهر و برادر به آنها علاقه مند بوده است. به همین جهت ارواح این عزیزان نیز از آن دنیا ما را همراهی کرده، با کالبدهای کوچک اما پرانرژی خود ما را تحت تأثیر قرار می دهند.

آنها در رؤیاهای ما ظاهر می شوند و یا به نوعی وجود خود را به ما می نمایند و ما نیز به علت شناخت عادات و اخلاق آنها در زمان حیاتشان، وجود آنها را در

کنارمان حس می‌کنیم. آنها از درون با ما سخن می‌گویند و بر ما تأثیر می‌گذارند و ما هدایت، حفاظت و ترغیب آنها را به خوبی درمی‌یابیم.

در واقع پیشینیان ما با تمامی گنجینه‌های خرد و اندوخته‌های فرهنگی خویش در وجود ما قرار دارند. به همین علت است که برخی از ما مجذوب و علاقه‌مند به فرهنگ‌های بومی گوناگونی مثل: علاقه به شناخت قدرت‌های جادوگران سرخ پوست، سنت‌های خاور دور، فرهنگ سلتی و یا دانش کاهنان مصری می‌شویم.

ما در وجود خود قدرت‌ها، آیین‌ها و سمبل‌هایی را کشف می‌کنیم که ما را به محل و تاریخچه آنها رهنمون می‌کنند و بدین ترتیب دوباره از طریق ما حیات نوینی یافته، پر قدرت وثمر ثمر می‌گردند. ما از طریق اقوام و نیاکان خود راهنمایی‌های مؤثری دریافت می‌کنیم که آنها را با توانایی‌ها و خردشان بر ما اعمال می‌کنند به طوری که تأثیرشان به خوبی در زندگی ما قابل رؤیت است. چنانچه بتوانیم به طور خودآگاه با این ارواح ارتباط برقرار کنیم، مثلاً: آنها را ببینیم، صدایشان را بشنویم یا وجودشان را حس کنیم، می‌توانیم همکاری خلاق و پرباری را با آنها شروع کنیم.

از طرف دیگر انسان با دنیای فرشتگان نیز در ارتباط است. اما این مجردات بر خلاف رهبران روحانی، استادان حقیقی، روشن‌فکران و نیاکان ما فاقد حقیقت مادی بلکه دارای کالبدهای ظریف غیر مادی - با انواع مختلف تراکم‌ها و سلسله مراتب‌ها - بر روی کره زمین هستند. در این میان برخی از آنها از عالم ماوراء نشأت گرفته (با جذب عناصر معدنی، نباتی و حیوانی حقیقت مادی یافته) و سپس در قالب موجوداتی نورانی؛ یعنی فرستادگان واقعی خداوند و پاوران الهی در مقابل دیدگان انسان‌ها ظاهر شده، آنها را به راه راست و هدف خدائی‌شان هدایت می‌کنند.

انسان به شرط داشتن ایمانی راسخ تنها مخلوقی است که توانایی ارتباط آگاهانه با عالم ماورا، افلاک روحانی و آسمانی و مراحل عالی آفرینش دارد. زمانی که روح انسان به اندازه کافی به رشد و بلوغ معنوی برسد در هاله‌ای که محصورش کرده است نوساناتی پدید می‌آید. در این صورت فرشتگان اجازه ظهور و نمایاندن خویش را به او می‌دهند و بدین ترتیب دروازه‌های روح بر روی آنان گشوده می‌شود.

هر انسانی به دست گروهی از فرشتگان همراهی و هدایت می‌شود. حال اگر او به طور اتفاقی به این مسئله واقف شود، سعی می‌کند به کلید این دروازه دسترسی یافته، با فرشتگان ارتباط برقرار کرده و آنها را فراخواند و از آنها طلب یاری نماید.

با توجه به مباحث بالا می‌توان نتیجه گرفت که وجود فرشتگان در این گیتی امری کاملاً طبیعی و حتی روزمره است و آنها فقط منتظر ایجاد ارتباط از طریق ما هستند. لازمه برقراری این ارتباط مناسب مخصوص، اماکن معین یا هماهنگی قبلی نیست بلکه فقط توجه مخلصانه و قلبی ما خاکیان را می‌طلبد. وقتی ما وجود فرشتگان را بپذیریم و از آنها درخواستی روشن و واضح کنیم، البته به شرطی که این خواسته علیه خود ما یا دیگران نباشد، آرزوی قلبی ما شنیده می‌شود و تمام قدرت‌های طبیعی برای به انجام رساندن تقاضای ما به حرکت و جنب و جوش درمی‌آیند. از ما مراقبت کرده، احتیاجاتمان را برطرف می‌نمایند.

به هر جهت ایمان و اعتقاد کامل به این مسئله، که یک یا چند فرشته به طور دائم و مؤثر در حال کمک به ما هستند، امری ضروری است.

مسلمانان ذهن کاوشگر، شعور منطقی و نیز نیروی تصورات ما نمی‌تواند وجود دنیای دیگر را درک نماید. به همین دلیل به عنوان مانعی در سر راه ما قرار

می‌گیرد. آنها اجازه برقراری ارتباط با فرشتگان را به ما نمی‌دهند و مانع دریافت کمک آنها به ما می‌شوند. در صورتی که ما در هر موردی می‌توانیم از فرشتگان کمک بخواهیم. در نظر آنها آرزویی نیست که قابل برآورده شدن نباشد مگر این که این آرزو علیه خلقت، عشق خدایی، خرد، نظم و قدرت مطلق خداوند باشد. با کمک آنها آرزوهای کوچک و روزمره مثل: درخواست کمک هنگام رانندگی، پارک کردن خودرو، سوار شدن به هواپیما و... و نیز آرزوهای دیرینه‌مان برآورده می‌شوند.

ما باید طوری خواسته‌هایمان را مطرح سازیم گویی به قدرت ماورایی فرشتگان اطمینان کامل داریم و می‌دانیم آنها دارای خرد فراوان در زمینه تحقق آرزوهای ما هستند و می‌توانند ما را به بهترین نحو و مطمئن‌ترین راه به مقصد برسانند.

اگر دچار بیماری‌های جسمانی یا اختلالات روحی مثل: ترس، غم و غصه، بی‌ارادگی و افسردگی هستیم، می‌توانیم فرشته مربوط به این امراض را نام برده، آرزو نماییم که ما را از آن گرفتاری نجات دهد. مثلاً وقتی که من دچار بیماری قلبی می‌شوم، از فرشته‌ای که توانایی شفای قلب را دارد، کمک می‌خواهم. من قلباً او را به کمک طلبیده، با اطمینان و اعتماد کامل به ظهور و نیروی شفابخشی‌اش، از او می‌خواهم که با عشق و خرد خدایی‌اش شفایم دهد.

و چنانچه اطلاعات دقیق‌تری از بیماری خود داشته باشم مثلاً وقتی بدانم که دریچه قلبم دچار اشکال شده است، فرشته مخصوص دریچه‌های قلب را به کمک فرامی‌خوانم.

ما باید مرتباً به خود یادآوری کنیم که فرشتگان صدای کمک خواهی ما را می‌شنوند و در این مورد ترتیب اثر داده، به طریقی به مدد ما می‌آیند.

به‌خصوص در امور کوچک روزمره علناً می‌توانیم به‌وجود آنها پی ببریم. مثل

پیدا کردن راه در شهری غریب یا نجات یافتن از ترافیکی سنگین یا پیدا کردن محل مناسبی برای پارک اتومبیل. از این رو توجه به این مسائل باعث افزایش اطمینان و اعتماد ما به فرشتگان می شود.

ارتباط ما با فرشتگان به طرق مختلفی تقویت می شود، چالب است بدانیم که در دنیای مادی ما دروازه ها یا گذرگاه هایی به دنیای درخشان و اثری فرشتگان وجود دارد. و کلید گشاینده این دروازه ها از طریق کریستال ها یا سنگ های قیمتی در اختیار ما قرار می گیرد.

این اجسام نورانی واسطه هایی هستند که ما را با گونه به خصوصی از فرشتگان مرتبط می سازند. اینها همان فرشتگانی هستند که زمانی بسیار طولانی برای بیداری اذهان و خود آگاهی ما به صبر نشسته اند تا راه نفوذی برای به نمایش گذاردن قدرت ماورایی خود بیابند و بدین طریق وجود شگرف خود را به ما اثبات کنند.

آنها از عالم ماوراء نظاره گر و کنترل کننده پیدایش و رشد سنگ ها بوده و مراقب بوده اند که قیمتی ترین و با ارزش ترین آنها درخشش و زیبایی خود را به طور کامل در معرض دید قرار دهند.

برخی از این فرشتگان که از ارواح زمینی حیات گرفته اند و هنوز در ارتباط با این امدادگران روحی هستند، طرز تراش و صیقل دادن به قیمتی ترین و با ارزش ترین سنگ ها را به انسان الهام می نمایند.

آنها با انتقال مراحل تذهیب و تکامل خود به تراش سنگ ها باعث می شوند سنگ تالو و درخشش مناسب خود را بیابد و آتش معنوی خویش را کاملاً نمایان سازد.

این فرشته ها را می توان از طریق رنگ شان شناخت، آنها به رنگ سنگ مخصوص خویش هستند؛ یعنی سنگی که نگهبان رشد و شکل گیری آن بوده و

سعی نموده‌اند که سنگ، رنگ زیبا، درخشان و روشن خود را تماماً به معرض نمایش گذارد.

زمانی که در مقابل نور به سنگ شفاف‌ی خیره می‌شویم، در حقیقت رنگ فرشته آن سنگ را می‌بینیم، این رنگ نگاه ما را مجذوب خویش می‌سازد. در واقع با این نگاه به دنیایی معنوی می‌نگریم و وجود آن را اذعان می‌کنیم.

پس باید با توجه به نوع سنگ، فرشته آن را مطلع دید قرار داده، او را صدا کنیم. اما باید توجه داشته باشیم که تمام سنگ‌های قیمتی دارای فرشته نیستند بلکه فقط سنگ‌های درخشان، نورانی و شفاف از این مزیت بهره‌مند هستند. به این صورت که شکل و حالت سنگ، طرز تراش و خرد کردن آن به شکل هاله‌ای در برگیرنده فرشته است و رگه‌های موجود در آن نشانه خصوصیات فرشته می‌باشد که می‌توانیم با توجه به حالت یا شکل سنگ به سادگی یا پیچیدگی شخصیت فرشته آن پی ببریم. در اغلب موارد حالت، شکل ظاهری و داخلی یک سنگ حامل پیام مخصوصی برای ماست که در این صورت می‌توانیم کیفیت به خصوصی از نوعی انرژی را دریافت کنیم یا ممکن است فکر به خصوصی به ذهن مان خطور کند، خاطره‌ای را به یاد بیاوریم و قادر به دیدن کالبدی معنوی شویم که خود را به ما نمایانده و بعد از گذشت زمانی از نظرمان محو می‌شود.

رگه‌های رنگین‌کمانی

وجود رگه‌های رنگین‌کمانی در یک سنگ بیانگر حالت به خصوصی است. این رگه‌ها به مثابه دروازه‌هایی هستند که سنگ از طریق آنها گذرگاهی ویژه به سوی روح می‌یابد. آنها نماد انرژی کاملی هستند که در عین همانندی دارای تنوع و گوناگونی می‌باشند.

این انرژی که زندگی در میان گوناگونی‌ها و زیبایی‌های الهی را به روح

می آموزد، هنگام طلوع دوباره آفتاب مهرگستر بعد از بارش الهی، موجب تولد رنگین کمانی می شود که گویی ریسمانی است برای پیوند دوباره زمین و آسمان. رنگین کمانی که در سنگ ها ظاهر می شود و از این طریق قابل رؤیت می گردد، قادر است دردناک ترین تجربیات روحی ما را در زندگی خاکی که ما را دچار یأس و اندوه نموده و چشمان مان را گریان ساخته، تحت الشعاع نوری الهی که همان قدرت مطلق عشق است، قرار دهد و همراهی خالق هستی و دست نشانندگان پرورش را حتی اگر در آن لحظات رنج و زحمت، متوجه آن نباشیم به ما بنمایاند.

شناختن مشکلات و غلبه بر آنها از جانب ما، موجب آزادسازی انرژی خلاق و عظیمی می شود، که توانایی های جدیدی را در ما بسط و گسترش می دهد. به همان زیبایی و به همان طریقی که رنگین کمان از پیوند زمین و آسمان پا به هستی می گذارد، نقاط ضعف ما نیز می توانند، به نقاط قوت مان تبدیل شوند. در این میان در اختیار داشتن سنگی با یک یا چندین رنگین کمان می تواند ما را به این انرژی رهایی بخش متصل نموده، باعث گشایش دروازه های روح، که بر اثر رنج ها و سرخوردگی ها مسدود شده بودند، شود.

رنگین کمان ها رودی از فرشتگانی پر رحمت و تابع جبرئیل، فرشته اعظم، می باشند. این فرشته اعظم، به طور مطلق قدرت شفابخشی و درمانی رنگ ها را در اختیار داشته، آنها را در مسیرشان به سوی زمین همراهی می نماید و قبل از این که مجدداً تجسد یافته، در کالبد انسانی حلول یابند، آمادگی های لازم برای زندگی خاکی را به آنها می دهد.

بدین ترتیب او روح ما را به خوبی می شناسد و از تجربیات دردناکی که در زمان تجسد مان خواهیم داشت، به خوبی آگاه است.

جالب است بدانیم که با در اختیار داشتن سنگی به همراه رنگین کمانش،

می‌توانیم با دردها و رنج‌های انباشته شده در درون مان ارتباط برقرار کنیم و آنها را با کمک فرشتگان تابع جبرئیل به شیرینی مطلوبی تبدیل نماییم.
با نگاهی دقیق‌تر به سنگ‌های قیمتی، متوجه می‌شویم که برخی از آنها فقط به شکل مات در طبیعت وجود دارند.

مثل: مرجان، مروارید، فیروزه، همتیت، ملکیت، آزوریت و...
این سنگ‌ها بدون درخشش و تالالو هستند و به همین دلیل هیچ‌گونه ارتباطی با فرشتگان ندارند. البته آنها با موجودات ماورایی دیگری در ارتباط هستند که ارواح طبیعت نام داشته و زمانی به فرشته مبدل خواهند شد. این ارواح بیشتر به طبقات مادی می‌پردازند و منجر به حفاظت، تکثیر، تجزیه و زیباتر شدن مواد در طبیعت می‌شوند.

بیشتر سنگ‌های قیمتی در اعماق مختلفی به وجود می‌آیند و به همین دلیل از لحاظ درخشندگی دارای درجات متفاوتی می‌باشند. این سنگ‌ها بسته به نوع تراکم و عیار خود با ارواح طبیعت مرتبط هستند. در این خصوص می‌توان به یاقوت کبود مات اشاره کرد که با ارواح بزرگ‌تری از طبیعت ارتباط دارد. و این گویای آن است که هر اندازه سنگی در طی مراحل تکاملی، شفاف‌تر شود، به همان نسبت ارواح محاط‌کننده‌اش دارای کالبد انرژی ظریف‌تری خواهند بود. بدین ترتیب یک سنگ شفاف و درخشنده، دارای انرژی‌های ظریفی خواهد بود که با طبقه بزرگ‌تری از فرشتگان مرتبط است.

البته یاقوت کبود درخشان، پرتالالو و تراش خورده می‌تواند به جواهری گران قدر تبدیل شود و ما را مجذوب خود کند. در اکثر سنگ‌های قیمتی وضع به همین گونه است. آنها از زمان‌های دیرین توجه ما را به خود جلب نموده‌اند. البته این حس فقط به این دلیل نیست که می‌توان آنها را به جواهرات گران قیمتی مبدل نمود. بلکه خود درخشش و نور ساطع شده از این سنگ هاست که، ما را

تحت تأثیر خود قرار داده و همچنین موجب زینت ما می‌شوند. از طرف دیگر فرشتگان موجود در این گونه از سنگ‌ها در این انتظار به سر می‌برند که از طریق نوسانات این سنگ‌ها بر ما تجلی یابند و انرژی‌های عالم ماورایی خود را عیان سازند و بدین ترتیب زندگی ما را تحت تأثیر خود قرار دهند.

فرشتگانی که از طریق سنگ‌ها خود را نمایان می‌کنند، متحد و تبدیل به فرشته عظیمی می‌شوند که به وجود آورنده قدرت معنوی موجود در سنگ‌ها بوده و هم‌زمان به ما نشان می‌دهند که از طریق کدام قسمت از جسم‌مان با ما برقراری ارتباط می‌نمایند.

این فرشتگان هاله ما را لمس می‌نمایند و از آن طریق به درون ما نفوذ می‌کنند. این هاله از لایه‌های متعددی تشکیل شده و انرژی کالبدی‌های مختلف‌مان را باز می‌تاباند.

جسم مادی و فیزیکی ما که قسمت مرئی وجود‌مان است، تنها کالبد وجودی ما نیست - البته همین کالبد مادی نیز به وسیله انرژی‌های ظریفی احاطه شده است - بلکه ما دارای کالبدی احساسی که از لایه‌های مختلفی تشکیل شده است نیز می‌باشیم.

متراکم‌ترین و فشرده‌ترین نوسانات، مربوط به کالبد احساسی است زیرا تمامی احساسات و عواطف ما در آن تجمع یافته‌اند. همچنین ما دارای کالبد ذهنی که تمامی قدرت‌های ذهنی را در خود داراست و از لایه‌های مختلفی تشکیل شده است نیز می‌باشیم. متراکم‌ترین نوسانات این بخش نشان‌دهنده نوع افکار ماست و تمامی اعتقادات و پندارهای ما در آن تجمع و تجلی می‌یابند. هر سه این کالبدها؛ یعنی کالبد فیزیکی، احساسی و ذهنی با هم ارتباط داشته، تبادل انرژی کرده و باعث شکل‌گیری هاله ما می‌شوند.

این هاله که وجود ما را احاطه کرده است، تمامی خصوصیات و مشخصه‌های

ما را به رنگ‌ها و شکل‌های مختلف منعکس می‌کند، به طوری که تمام بیماری‌ها، احساسات، افکار، آرزوها، اهداف، وظایف، توانایی‌ها، ایده‌ها و آرمان‌های ما به وضوح در آن قابل تشخیص هستند.

زمانی که انسان‌ها با هم رو به رو می‌شوند، ابتدا هاله‌های آنها با هم برقراری تماس می‌کنند و انرژی‌های‌شان به طور ناخودآگاه در تماس با هم قرار می‌گیرند. این ارتباط فراتر از آنچه که قابل تصور است، باعث تبادل احساسات، داد و ستد اطلاعات و یادگیری از یکدیگر می‌شود.

همه ما این تجربه را داشته‌ایم که بودن در کنار برخی از افراد باعث سرحالی و سرخوشی ما می‌شود در حالی که بودن در کنار برخی دیگر احساس خستگی و دل‌تنگی عجیبی را در ما به وجود می‌آورد. این بدین علت است که افراد گروه اول به ما انرژی می‌دهند و گروه دوم انرژی‌مان را می‌گیرند. البته این مسئله تنها نشان‌دهنده بخش ناچیزی از تبادلات انرژی در طیف ظریفی است که هنگام برخورد بین انسان‌ها به وجود می‌آید.

هاله ما هم‌چنین با مراکز انرژی ظریفی که به صورت اختصاصی و منحصر به فرد انرژی لایه‌های مختلف‌مان را تأمین می‌کند و ما از طریق‌شان انرژی ساطع می‌کنیم، در ارتباط است.

در بدن ما هفت مرکز اصلی انرژی و مراکز فرعی فراوانی، به خصوص در قسمت دست‌ها و پاها، وجود دارد. تمام این مراکز از لایه‌های مختلف‌هاله و حتی کالبد فیزیکی‌مان عبور می‌نمایند و هر کدام به قسمت معینی از ستون فقرات منتهی می‌شوند.

آنها از قسمت جلوی کالبد فیزیکی شروع می‌شوند. به این صورت که چاکرای اول به نام چاکرای ریشه در جایی بین مقعد و اندام تناسلی قرار دارد و به طرف زمین باز می‌شود و مربوط به روابط جنسی است. چاکرای دوم به نام چاکرای

خاجی بالای اندام تناسلی قرار دارد و رو به جلو باز می‌شود. چاکرای سوم به نام چاکرای شبکه خورشیدی بالای ناف واقع است و رو به جلو باز می‌شود. چاکرای چهارم به نام چاکرای قلب در وسط قفسه سینه قرار دارد و رو به جلو باز می‌شود. چاکرای پنجم به نام چاکرای گلو در حفره بین گردن و گلو واقع است و رو به جلو باز می‌شود. چاکرای ششم چاکرای پیشانی است و بالای پل بینی در وسط پیشانی قرار دارد و به طرف جلو باز می‌شود و سرانجام چاکرای هفتم به نام چاکرای تاج در وسط سر در بالاترین نقطه قرار دارد و رو به جلو باز می‌شود.

در حالی که وظیفه مراکز نامبرده، تبادل انرژی‌های ظریف و تبدیل آنها به فرکانس‌ها و نوسانات مختلف است، وظیفه اصلی کالبد انرژی تجمع و ذخیره انرژی، به صورت‌ها و رنگ‌های مختلفی است که در حقیقت نمایانگر حالت وجودی ماست.

با وجودی که در هر یک از کالبد‌های مایه‌هایی با نوسانات ثابتی وجود دارد، اما در برخی از دیگر لایه‌ها تغییرات دوره‌ای به صورتی طولانی مدت و برخی نیز دارای تغییرات روزانه یا لحظه‌ای می‌باشند. این نوسانات از طریق رنگ، شکل، طرح، اندازه، تیرگی یا روشنی به طور مشخصی نمایان شده و بدین ترتیب منابعی از انرژی با ابعاد بسیار مختلفی ایجاد می‌نمایند، که تحت تأثیر حالات روحی ما، نوع تجربیات، تغییر و تحولات زندگی، سیر تکاملی ما، مهم‌ترین حوادث و رخدادهای حیات‌مان و نیز بسیاری عوامل دیگر، به صورت مختلفی تغییر شکل می‌یابند.

فرشتگان از طریق این هاله به سوی ما می‌آیند. و ما می‌توانیم با قراردادن سنگ حامل فرشتگان، در نزدیکی مراکز انرژی بدن، باعث ظهور فرشتگان در هاله همان قسمت از بدن شویم. در این حالت فرشته از همان مکان و از طریق هاله‌مان می‌تواند، تمامی وجود ما یا قسمت‌هایی از آن را، در برگیرد.

البته این مسئله به شدت نوسان، نوع ترکیب هاله ما و شدت درخشش سنگ نیز بستگی دارد تا بتواند با فرشته ارتباط برقرار کرده و آن را به سوی ما آورد. هم چنین قدرت های موجود در سنگ علاوه بر این که به رنگ، شفافیت و درخشش آن؛ یعنی آتش درونی اش بستگی دارد، به اندازه و شکل تکاملی سنگ نیز وابسته است.

سنگی که قادر است مرکز تاج؛ یعنی مرکز انرژی بالای سر ما را تحت تأثیر قرار دهد، کریستال معدنی درخشانی است که برلیان یا همان الماس تراش خورده دل فریب نام دارد. این سنگ نماد کمال و تمامیت است و بصیرت و خرد را برای ما به ارمغان می آورد. پیریت نمونه دیگری از این سنگ ها است که دارای قدرت درخشش سایر سیارات و منظومه ها است.

فرشتگان این دو سنگ از طریق مراکز انرژی سر (چاکرای تاج) و پیشانی (چاکرای پیشانی) به درون ما رسوخ می کنند و هاله ای از نوری شفاف و پرتالو و رنگین کمائی نورانی دور سر ما، در قسمت صورت و گردن مان ایجاد می کنند. هم چنین از مرکز گلو تا روی سینه به طرف قلب و نیز شانه ها، فرشتگانی ما را لمس و اشباع می نمایند که آنها نیز از طریق سنگ های رنگی تراش خورده، پاک ترین، کامل ترین و ارزنده ترین انوار خود را ساطع می کنند. مثل: لعل کبود، یاقوت کبود، یاقوت زرد، زمرد، لعل، یاقوت قرمز و ...

سنگ هایی که از طریق بازوها و دست ها به امدادمان می آیند انوار گرم، مطبوع و درخشان خود را با تراشی ساده و گنبدی شکل، به ارزنده ترین و کامل ترین وجه ممکن می تابانند.

برای برقراری ارتباط با فرشتگان موجود در سنگ هایی مانند تورمالین و کوارتز سرخ کافی است که انگشتر، دستبند یا انگویی از این سنگ ها را در دست راست خود داشته باشیم یا خیلی ساده آن را در دست راست خود نگاه داریم.

ما از طریق بازو و دست چپ نیز با فرشتگانی مرتبط می‌شویم که نمونه آنها در سنگ‌هایی مثل یشم سنگ ماه و کلسدوئین وجود دارند. سنگ‌های درخشان اوپال، مرکز قلب ما را با فرشتگان مرتبط می‌سازند. آنها با انرژی مخصوصی که به ما می‌بخشند، توانایی مواجهه و غلبه بر جنبه‌های مختلف زندگی مادی‌مان را به صورتی جالب و دوست داشتنی در ما ایجاد می‌نمایند.